

نقد و بحث

از این شماره «گوهر»، این مبحث گنوده میشود و صاحب نظران و نقادان میتوانند، با رعایت کامل همه جوانب کار، هر شعر یا اثر و کتاب و رساله و مقاله را، در کمال ادب و نزاکت و انصاف و بطور مستدل و منطقی، مورد بحث و نقد قرار دهند و نظرات صائب خود را، آزادانه، ابراز دارند.

این نکته گفتنیست که، بر حسب اصول متعارف و متداول جهان، نوشتاری و کتابی و بطور کلی اثری در خور بحث و نقد صاحب نظران است که براساسی بلند پایه و گرانمایه و نفوذ و سنجیده و مهم و عالی و صاحب آن عالم و فاضل و محقق و متبحر باشد و در حقیقت با ارزش نقد و بحث بیارزد. پس، از این نظر، انتقاد علامت تکذیب و تحقیر نیست بلکه نشان تکریم و تعظیم است.

بدیع الزمانی *



نقد و بحث بر کتاب مجمل التواریخ والقصص

تصحیح شادروان ملك الشعران بهار

کتاب مجمل التواریخ والقصص که به گفته مصحح آن به سال ۵۲۰ هجری تألیف شده است کتابی است بسیار نافع و از متون کهن و مشتمل بر مطالب درست و نادرست و در آن جابه جا آیات قرآنی و احادیث نبوی و ابیاتی به زبان تازی آمده است .

آقای عبدالحمید بدیع الزمانی، استاده انشکده الهیات دانشگاه تهران از ایران و دانشمندان گرامراییه معاصر

— کتاب به سال ۱۳۱۸. در تهران. چاپخانه خاور، چاپ شده و مرحوم ملک الشعراء بهار به تصحیح آن همت گماشته است.

شادروان بهار، از شعرای چیره دست معاصر، در بسیاری از معلومات ادبی متداول زمان خود اطلاعات وسیعی داشت و در ادبیات فارسی صاحب نظر. اما در قسمتهای عربی معلومات او ناقص بود. زیرا در کتاب با ارزش «سبک شناسی» حتی در مورد يك آیه از قرآن مجید که به سادگی امکان درست نوشتن آن میسر بوده است آنرا به صورت عجیبی دستخوش مسخ و تحریف ساخته است:

در صفحه ۱۴۷ جلد اول نوشته است: «نعدکم شعوباً و قبایلاً لکی تعلمون» به جای این آیه که در سوره حجرات آمده است: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و [جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا] ان اکرمکم عندالله اتقاکم. ان الله علیم خبیر
اولاً نعدکم چه معنی دارد؟

ثانیاً قبایلاً متضمن دو غلط فاحش است: ۱- قبائل با همزه است نه با یاء ۲- کلمه قبائل غیر منصرف است و تنوین نمی گیرد.

ثالثاً فعل مضارع بعد از «کی» منصوب می شود و علامت نصب در این جا حذف نون است پس «لکی تعلمون» چه وجهی خواهد داشت!؟

رابعاً در قرآن کریم «لکی» اصلاً نیامده و «لتعارفوا» وارد شده است خامساً کلمه «تعلمون» هم بر ساخته خود آن شادروان است.

اکنون موارد اشتباه را به ترتیب صفحات و سطور کتاب بر می شماریم:

- ۱- صفحه ۱- سطر ۹ «الخلايق» با یاء غلط و با همزه «الخلائق» صحیح است.
- ۲- صفحه ۱- سطر ۱۰ «بیقا» که در حاشیه شماره ۲ نیز نادرست بودن آن آمده است هیچ معنی ندارد و احتسالا «عادهها» است.
- ۳- صفحه ۱ سطر ۱۰ «یفنی» به ضم یا غلط و به فتح آن صحیح است.
- ۴- صفحه ۱ سطر ۱۰ «امدها» به فتح دال غلط و به ضم آن صحیح است.
- ۵- صفحه ۴ سطر ۹ «باب الاون» و همچنین تا آخر «باب خامس والعشرون» بدون الف و لام غلط و در همه باید «الباب» نوشته شود و در تفصیل ابواب باید کلمه «باب» و لام باشد.

- ۶ - صفحه ۸۵ حاشیه شماره ۵ «اللذین» و «اللذی» با دو لام غلط و بایک لام صحیح است. کلمه مطبوع باظای دسته‌دار قطعاً اشتباه حروفچین است.
- ۷ - صفحه ۱۵۰ حاشیه شماره ۷ «عمرو» به فتح عین و افزودن واو در آخر و «امریء» القیس» صحیح است.
- ۸ - صفحه ۱۵۵ سطر ۱۰ «یاذا المنار» صحیح است. و همچنین باید لایرام به ضم میم باشد.
- ۹ - صفحه ۱۵۶ سطر ۴ «بکل قرم» با راء صحیح است.
- ۱۰ - صفحه ۱۵۶ سطر ۶ «ذوشناتر» بدون ال صحیح است.



خواستم از لعل او دو بوسه و گفتم
 تربیتی کن بآب لطف ، خسی را
 گفت: یکی بس بود ، اگر دوستانی
 شهره شوی ، آزموده‌ایم بسی را
 عمر دوباره است بوسه من و هرگز
 عمر دوباره نداده‌اند کسی را

فرخی سیستانی اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم